

بیانیه ۱۷ تن از زنان زندانی سیاسی در زندان اوین



حاکمیت زن ستیز در جدال با مادران دادخواه است

دیر زمانیست که استبداد و استثمار توامان جز چتر خفقان و گرسنگی و فقدان بر سر مردم این سرزمین نگسترده است. در تمام این سالها کشاکش قدرت مسلط با آزادی خواهی و عدالت طلبی در جریان بوده است. در یک سو حاکمیت با تمام ابزارهای سرکوب و در سوی دیگر جانهای آزادهی مردان و زنان با تمام آنچه داشته اند از قلمشان تا جانشان. این کشاکش و نبرد به صریح ترین شکل در مواجههی حاکمیت با مادران و مادرانگی طی سالها نمایان شده است.

جایی که حکومت به رغم تاکید بر مادر بودن زنان برای پابند کردنشان به خانه، مادرانه‌گی زنان معترض را تاب نمی‌آورد:

زنان بسیاری فرزندان خود را در زندان به دنیا آورده و بزرگ کرده‌اند؛ مادرانی حتا از دیدن جسد و محل دفن فرزندان خود محروم شده‌اند؛ مادرانی به جرم خون‌خواهی فرزند خود یا درخواست آزادی فرزندشان به زندان روانه شده‌اند؛ یا مجبور به ترک فرزند چند ماهی خود شده‌اند و سال‌ها بدون حتا یک روز مرخصی در هجران فرزندان خود در زندان گذرانده‌اند؛ مادرانی که حتا از ملاقات و دیدن فرزندانشان در سالن‌های ملاقات زندان‌ها محروم مانده‌اند؛ و مادران بی قراری هم پشت درهای زندان ساعت‌ها در انتظار بدیهی‌ترین حق خود و در آغوش کشیدن فرزندشان رنجی مشابه را متحمل می‌شوند.

در تمام این سال‌ها جدال حاکمیتی زن ستیز با زنان و مادرانی که برای آزادی و عدالت برخاسته‌اند، ادامه داشته است. تداوم این جدال البته خود نشانی از آگاهی افزون و گسترش مبارزه و اعتراضات زنان است. نمونه‌ها بسیارند. تنها در چند ماه گذشته فرنگیس مظلوم به رغم بیماری به جرم دفاع از پسرش، سهیل عربی، بازداشت شد. مادر علیرضا شیرمحمدی به دلیل نداشتن ۸۰ میلیون تومان وثیقه، فرزند خود را در زندان از دست داد. راحله اصل احمدی به جرم خواست آزادی فرزندش، صبا کردافشاری، بازداشت شد، و موارد متعدد دیگر.

در اخیرترین مورد، دختر ۵ ساله‌ی نازنین زاغری، گیسو رتکلیف، به ناچار ایران را ترک کرد تا بعد از ۳ سال و ۸ ماه، به دور از مادر، نزد پدر زنده‌گی کند. این در حالیست که مسوولان به طور ضمنی آزادی او را مشروط به نتیجه‌ی مذاکره و معامله با بریتانیا کرده‌اند و آنچه در این میان نادیده گرفته می‌شود، انسان‌ها، حقوق آنها، عدالت و حقیقت است. از این منظر، عملکرد هر دو حکومت دو روی یک سکه است.

ما امضا کننده‌گان این بیانیه که برخیمان خود سالیان دراز رنج هجران فرزندانمان را تجربه کرده‌ایم، بار دیگر اعتراض خود را به ستم بر زنان، رفتارهای غیر انسانی و بی عدالتی اعلام می‌کنیم.

تجربه‌ی تاریخی و واقعیت روزمره بیانگر آن است که مادرانه‌گی به رغم میل حکومت‌ها با مقاومت و باروری ذاتی خود تا چه حد می‌تواند به خواست و امکان رهایی گره بخورد. تداوم فشارها و فراق‌ها بر زنان طی سال‌های اخیر را نه عامل شکستن مقاومت که گواه ثابت قدم‌تر

شدن در مبارزه و اراده‌ی معطوف به آن می‌دانیم.

ما زنان این مرز و بوم در این سو یا آن سوی دیوار زندان بر این باوریم که وجدان بیدار جامعه، تاب این‌ستم‌ها را نخواهد آورد و نه دیر هنگام، بلکه در سپیده‌دمی نزدیک، با عمل و اراده و هر لحظه، رهایی مادران رنج‌کشیده‌ی این سرزمین را فراهم خواهد ساخت.

دست در دست هم به امید روزهای روشن، صدای مادران در بند باشیم که این عمل سر فصل رهایی وجدان دردآلود جامعه‌ی بشری است.

یاسمن آریانی، مریم اکبری منفرد، سیما انتصاری، ارس امیری، مرضیه امیری قهفرخی، لیلا حسین‌زاده، نازنین زاغری، زهرا زهتابچی، آتنا دائمی، فاطمه ضیایی، منیره عربشاهی، نگین قدمیان، صبا کردافشاری، ندا ناجی، نرگس محمدی، فرشته محمدی، سپیده مرادی

برگرفته از نشریه زنان : گاه نامه شماره 96 دسامبر 2019

<http://www.iran-women-solidarity.net/spip.php?article3433>